

محمد عالم افتخار

یاد داشت هایی از یک سفر ( بخش 16 )

راز های پشت شکوه جشن های مذهبی در  
هند و جهان !



سیمای خورشید مخصوصاً از روز 24 اکتوبر تا همین صبح (28 اکتبر) در آسمان دهلی جدید و لاید سراسر هندوستان؛ آماسیده و سرخ بود که تا مرز جگری و سیاهی ی نسبی نیز پیش رفت .

علت اساسی همانا دود ناشی از ترقه ها و فشفشه ها و پتاقی های بیحد و حسابی بود که به مناسبت جشن بزرگ «دیوالی» انفجار داده میشد ؛ این علت به حدی اساسی است که بنده طئ 7 ماه سپری شده حتی در یک روز دیگر که آسمان اساساً صاف میبوده ؛ چنین فضای مکدری را در دهلی شاهد نبوده ام و دیگر اینکه همین صبح که امواج انفجار ها فروکش کرده است ؛ خورشید این شهر بزرگ به ما سلام طلایی میدهد . با اینکه هنوز دود هست و صرف رقیق تر گردیده !



اینکه در بدن آدم ها و حیوانات ؛ از این آلوده گی ی هوا و بی آفتابی ی نسبی چه فعل و انفعالات مخرب حادث گردیده است ؛ قابل اندازه گیری نیست ولی بنده شخصاً به چنان حساسیت و آزردگی گوش و اعصاب شنوایی دچار شدم که در عمر 60 ساله ام نظیر نداشت و حتی در 8 ماه جنگ های مجاهدین که در کابل - در جوار افشار دوم یعنی مکروریان اول - بودم و به بیماری های مختلفی گرفتار آمدم؛ نیز چنین چیزی تجربه نشده بود و اینهم در حالی که اینجا تمام اوقات را در گوش خود پخته داشتم و در شدت گرمب و گرمب ها و ترق و تراق ها گوش ها را با بنداز نیز محکم می بستم .

اما به وضوح میدیدم که طراوات و جلایش و زیبایی ی درختان و پارک ها و گل ها و گیاه ها در همه جا به طرز سرسام آوری برباد میرود . اتفاقاً این روز ها هوای دهلی خیلی خشک است و حتی شبنم چندانی پیدایش نمی یابد .

یک حاشیئه علمی جهانشناختی که از این مشاهدات به دست می آید ؛ این است که بشر قدرت و ابزار هایی را در اختیار دارد که میتواند با استعمال چندین برابر بیشتر آنها منجمله اتموسفیر زمین را نابود کند و لهذا به حیات اعم از نباتی و حیوانی و بشری خاتمه بخشد!

به وضوح؛ نفع مادی از اینهمه را فقط فابریکات و سایر دست اندر کاران تولید و عرضه ترقه ها و فشفشه ها و پتاقی ها و دیگر لوازم عید «دیوالی» بردند که سر به میلیارد ها دالر خواهد زد.

ولی آیا این نفع با تخریباتی که بر محیط زیست و ایکوسیستم به بار آورد و سوء تأثیر هایی که بر مغز و اعصاب و روان تمام 1200 میلیارد نفوس خود هند و مهمانان متعدد خارجی ی این کشور؛ بیماران قلبی و عصبی - روانی و از همه مهتر بر زنان حامله و کودکان آینده برجا گذاشت؛ قابل مقایسه هست؟

از جمله در گرماگرم آتشبازی ها و پتاقی منفجر کردن ها که خیلی های آن تا حد راکت های سکر 20 مجاهدین آی ایس آی و بالاتر غرش داشتند که در حوالی سالهای 1990 از چهار آسیاب و پغمان و سایر اطراف بر کابل شلیک میگردید؛ دوربین کمرهءبنده منظره آتی را هم ثبت کرد:



بر علاوه یادمان باشد: علماً به ثبوت رسیده که جنین های آدمی در نیمهء دوم رسش خود؛ آواز های محیط را از طریق امواج صوتی که عایق های نازک بر رحم مادر را در می نوردند؛ می شنوند و متناسباً از آنها متأثر میشوند و بدینجهت آواز های دارای امواج تند و شدید؛ حتی آنها را میکشد و یکی از علل بزرگ بسیاری از سقط های جنین همین است که عوام آن را «ترس مادر و صبیان زده گی زن حامله» تلقی و توهم میکنند!

بنده؛ تصورم این بود که با مراسم «راوون سوزان» در عید «دی شیره» (1) مراسم و مریای «دیوالی» را هم پوشش داده ام و روز و شب دیوالی مقداری آتشبازی و رقص و ترانه ای را شاهد خواهیم بود و بس!

اما طئی 20 روز پسین میتوان گفت که گویا ملت بزرگ هند دیگر کار و مصروفیتی نداشتند و به قولی «100 کار هول را گذاشته» همه به «دیوالی» می اندیشیدند، تدبیر میسنجیدند و تدارک میکردند.

رفته رفته سیمای شهر به کلی عوض گردید؛ همه هی ترصد داشتند که کجا مانده تا چراغان شود؛ بس بار ها که یک ترتیبات چراغانی نامرغوب جلوه میکرد یا از فلان سیال و شریک کمتر شکوه داشت لهذا همه چیز بر هم زده میشد و دوباره و چند باره آراستن و چراغان کردن

خانه ها و دکاکین و جاده های عمومی و مندیر ها و درخت های بخصوص و...و... از سر گرفته میشد .

مغازه های شیرینی فروشی و خوارو بار فروشی و منسوجات و هزار « شئی مصرفی » مدرن! کاملاً دیگرگون شدند و هئ فرمایشات بود که به انواع بی نهایت متنوع بسته بندی و گل زنی و آرایش میگردید تا تحفه های قناعت بخش و حریف کش و سیال اغفال کن بهتر و بالاتری آماده گردد .

با تمام تقاضا های چند برابر افزوده ؛ شگفت انگیزترین اخلاق هندی در خرید و فروش این بود که نه تنها قیمت ها چون کشور عزیز و مقدس و «اسلامی» در «اسلامی» ما افغانستان و دیگر کشور های «اسلامی» بالا نرفت بلکه همه چیز کم از کم با ده فیصد تخفیف هم عرضه میگردید !

اینکه عده ای مجبور و ناگزیر هم به خاطر همرنگ جماعت شدن ؛ حتی قرض میکردند یا از تن و شکم خود و اولاده خود زده تحفه و تارتق و ابزار برگزاری «دیوالی» و از همه بیشتر و پیشتر ترقه و فشفشه و پتاقی تدارک میکردند ؛ غیر قابل فهم نیست ولی بیشترین ترتیبات باشکوه مندیر ها و جاده ها و گذرگاه های عمومی توسط ثروتمندان و ارباب تولید و عرضه « مواد مصرفی» دیوالی و یا هم شبکه های مافیایی آنسوتر ؛ تمویل و توسط نماینده گان آگاه یا نا آگاه همانها تشویق و تحریک میگردید. برای آنکه تصوری به دست آورید که این «اشیای مصرفی دیوالی» چه ها هستند ؛ به مناظر زیرین دقت فرمائید :









با تأسف که بنده نتوانستم اشیا و امتعه درون کاغذ پیچ ها و کارتن های گل زده و فیشن کرده متعدد تحفه ها را بدانم و تصویر بردارم و در موقعیتی هم نبودم که حد اقل یک تحفه از آنها نصیب من شود . معهذا تصور میکنم بهترین و پسندیده ترین مراسم « دیوالی » همانها بودند که دوستان و اقربا و عزیزان میان هم مبادله میکردند و فرزندان به این بهانه سراغ پدران و مادران و پدر کلانها و مادرکلانهای خود و همسران خویش را میگرفتند و شاید عشاق و نامزاد ها در تشدید و تشنید علایق و تعلقات خاطر خود ازین فرصت بهره برداری های بهینه میکردند...

رویهمرفته بنده وسوسه شدم حتی الامکان با مردم تماس بگیرم و به کنجاوی ها بپردازم . حتی برای دو روز یک ترجمان نسبتاً خوب را با معاش بلند استخدام نمودم . ولی چیزی بیشتر از آنکه در یاد داشت بخش 15 به عرض رسانیده ام دستگیرم نشد ؛ تازه جم غفیری از مصاحبه شوندهگان همان اندازه نیز معلومات نداشتند .

- « دیوالی » عید بزرگ هند است ، روز آمدن دوباره رام جی به خانه اش در ایودهینا ست !!  
سوال : به این حساب که رام جی مانند من و شما یک آدم بوده !?  
جواب : لیکن روح خدا در او بوده !

سوال : چطور شما خود را قانع میسازید ؛ روح خدا در او بوده !?  
جواب : روح خدا و زور خدا بود که او توانست با شیطان « راوون » بجنگد و او را نابود کند.  
سوال : و سیتا جی خانمش !?

جواب : خانمش هم روح خدا داشت اگر نی خانم او نمی بود!  
سوال : پس لازم نیست ؛ در باره هنومان جی پرسید ؛ همین میشود که در او هم روح خدا بوده و گرنه یار رام جی نمیگردید !!?

جواب : معلومدار ؛ بدون روح خدا ...  
سوال : شما میگوئید 33 کرور بگوان دارید ؛ همه اش همین قسم است یعنی روح یک خدا در همه وجود داشته یا روح چندین خدا !?

جواب یکی : این را از پندیت صاحب ها ( دانایان دین ) پرسان کنید.  
جواب دیگری : در اصل یک خداست و در شکل های مختلف ظاهر میشود .  
جواب سومی : ما به چند تایی خدا کار نداریم مقصد هرچقدر هست باید از ما خوش باشند.  
اگر خوش نباشند ما بدبخت و تباه میشویم !

جواب چهارمی : کل این ها از تیر شده گان ما میراث مانده ؛ آنها حتماً چیزی دیده و دانسته مارا گفته اند که اینطور کنید و آنطور نکنید !

جواب پنجمی : میدانم که تمام دین ها و بگوان های ما برحق استند ؛ وگر نه مردم اینطور برای آنها متفق نمی بودند .

سوال : شما میگوئید « راوون» شیطان بوده ؛ غیر ازین که سیتا جی را اختطاف کرده بسیار ظلم میکرده !؟

جواب : راوون اینطور ظالم بوده که میگفته من خودم خداستم و مردم را برای پرستیدن دیگر خدایان نمی گذاشته !

سوال : پس او بر دیگر خدایان ظلم میکرده و پرستنده گانشان را از آنها میگرفته !؟

جواب : اینطور گپ زدن صحیح نیست ؛ راوون به همه ظلم میکرده !

سوال : یعنی هم به خدایان و هم به بنده گان !؟

جواب : به خدایان ظلم کرده نمیتوانسته با خدایان جنگ میکرده !

سوال : ببخسید ؛ چرا اینقدر خدایان باید زیاد باشند؟

جواب : به خاطریکه کار های دنیا و مردم که کم نیست . حالا مثلاً یک رئیس میتواند تمام کار های هند را اجرا کند . باز کارخدایان تنها کار های مردم نیست اونها تمام آسمان و زمین را باهم می چرخانند !

از این بیشتر با مردم مذهبی چه میتوان گفت ؟ اصلاً در تمام دنیا کس حاضر است بگوید یک ذره عقیده آن دیگری از من بهتر است ؛ یک ذره دوغ من ترش است و سکهء من ؛ قلب ؟؟؟

کسانی که میگویند : «موجی سمج نهی» ؛ اکثریت مطلق اند و نهایت کلام شان همین است که ماتا و پاتا گفته ؛ پندیت ها میگویند و یا نیرومندتر از همه اینکه کل مردم میگویند و تمام مردم میکنند !!







اصلاً جایی که بتوان در باره باور و مذهب چون و چرا کرد؛ اینجا نیست! ولی چنانکه در مورد «ژل گنگاماتا» (2) خاطر نشان ساخته ام برخی از باور ها و سنن و مراسم و رواج های مربوط به آنها نظر به تغییرات عظیمی که در آب و هوا و اقلیم و نفوس بشری و طرز ارتباطات و غیره میان افراد و جوامع بشری حادث گردیده است؛ میتواند دیگر بسیار خطرناک و فاجعه آفرین باشد.

دولت و نظام اجتماعی ی هند در همچو موارد دست به اصلاحاتی زده و موفقیت های نسبی کسب نموده اند. حتی حکام استعمارگر انگلیسی وقتی تصمیم گرفتند رسم بسیار منحط و فوق وحشیانه «ساتهی» را ممنوع کنند؛ کردند و نظر غالب این است که از آن منع پس از انگلیس ها نیز چندان تخطی نشده است و نمیشود.



ولی بنده احساس می کنم که مشکل اساسی ؛ اصلاً وجدان مذهبی و اعتیادات سنتی نیست ؛ یک نیروی محرکه مرموز ولی سخت عامل و زیرک و وسیع النظر و دور اندیش اینجا عمل میکند ؛ طبقات ممتازی که با روشن شدن جهان و بلند رفتن سطوح علمی و آگاهی و جهانشناسی جوامع آشکارا موقعیت های خود را در خطر می بینند ؛ نهایتاً نه فقط از امروز بلکه کم از کم از 500 سال بدینسو تلاش میورزند که در پناه معتقدات مذهبی توده ها برای خود استحکامات به وجود آورند .

این استحکامات همیشه هم حالت دفاعی ندارد ؛ بل تا جائیکه در کتاب های « کمپته 300 » ، «بازی شیطانی» (3) و آثار مماثل و مصداق های آنها منجمله «تلک خرس» می بینیم ؛ از این استقامت نیروهای سیاسی و لشکر های اجیر جنگی درست میگردند که به تعرضات موفقانه سوق میشوند و پیشرفت های شگفتی انگیز بزرگی هم حصول میکنند .  
کتاب بنده « جنگ صلیبی یا جهاد فی سبیل الله! » که در انترنیت هست و مصداق ها و تجارب متراکم افغانستان و پاکستان و « دنیای آزاد» در زمینه را ؛ بررسی میکند ؛ از این نظر غنای بسیار دارد. (4)



بدینجهت اینهمه مدرنیزاسیون و شکوه و جلال خیره کننده بخشیدن به مناسبت های مذهبی چه در هند و چه در سایر حصص جهان شک پر انگیز است ؛ چونکه اینهمه ؛ نیروی اقتصادی فوق العاده و توان سازماندهی و تزریق امکانات فراوان نامرئی بر توده های مردم را می طلبد !

به دلایل نزاکت های سیاسی و دیپلماتیک در منطقه ؛ بحث را اینجا بیشتر نمی گشایم و در جای دیگر مستقلاً با تفصیل لازم و اسناد و شواهد و قراین ... به آن خواهیم پرداخت و آنگاه شاید به رأی العین ببینیم که تجزیهء خونین هندوستان بزرگ همزمان با استقلالش نیز ؛ عیارت از همچو یک دسیسه بود ؛ دسیسه ای که نه تنها به گذشته تعلق نیافته بلکه با گذشت هرروز ؛ امروزی تر شده می رود!

خواهشمندم به تصاویری که برای این راپور برگزیده شده با دقت و کنجکاوی و وسواس بانسته نگاه کنید . ظاهراً چنین به نظر میرسد که مثلاً شمع یک چیز است که نه برای روشن کردن کلبه و محیط بلکه به مقاصد ناشناخته و جادویی و غیبی و لدنی به وجود آمده باشد . چرا که گویا امروز در برابر آن ؛ لایت ها و چراغ های هزار در هزار شمع و حتی نور افکن های به مراتب قوی تر ؛ سیاهه ای بیش نیستند !



گویا به بهانه عقاید مذهبی و فلان و به همان همه خود را در برابر این حقیقت مسلم کر و کور انداخته اند ؛ که بشریت پیشرو و دانشمند و دانشمندار در تمدن امروز ؛ همان شمع و چراغ تیلی و پیه سوز هزارسال و 500 سال و حتی 200 سال پیش را به گروپ های ادیسی و نیون ها و دیگر چراغ قوه های زیبا و درخشان تحول داده و به جز ماده شمع و پیه حیوانات و روغن نباتات ؛ برق و الکتریسته را در انواع و درجات مختلف برای تبدیل شدن به نور و حرارت و حتی برودت فراوان مساعد گردانیده اند .

لذا اینک همانگونه که خودمان حاضر نیستیم جز در حالت نهایت مجبوریت ؛ در نور خفیف شمع و چراغ پیه سوز کار و زنده گی کنیم نباید روا دار باشیم که خدایان مان را مانند دوران های عتیق با تقدیم شمع و چراغ پیه سوز - در واقع - اهانت کنیم !

روشن کردن شمع ها - آنهم در زیر قوی ترین چراغ ها و روشنی افکن های برق - احتمالاً از آن هم گذشته خود را مسخره کردن است و الا فقط نشان میدهند که به لحاظ عقلی و منطق و محاسبات معاصر بشری ؛ ما محکوم **عقب مانده گی ذهنی** و بیماری ی روحی «**کودک مانده گی**» هستیم .

مگر چه کسی جز مدعیان رهبری مذهبی و خدانشناسی و مسئولیت معابد و اماکان و مناظر و مرایای ایمانی ؛ پاسخگوی این «**کودک نگهداشته گی**» ی مردم است ! آیا آنها به راستی زیر کاسه نیم کاسه ای ندارند ???



مگر از چند سال به اینطرف مقدور و میسر شده که « دیوالی» یا دیگر مراسم و نمایشات مذهبی چنین ملزومات و افزوده ها داشته باشد؟؟  
آیا در روز های رام جی در ایودهیانا هم چنین بود ؛ میتوانست چنین باشد؟؟  
آیا سیتا جی مگر مانند بی بی خدیجه کبرای مسلمانها جز شمع و چراغ پبه سوز ؛ روشنی انداز دیگر را دیده بود ؛ میتوانست دیده باشد؟؟  
آیا تا بوده چنین بوده؟  
آیا در مذاهب سخن از زمان و مکان و تطورات و تحولات اصلاً نیست .  
نه بابا ؛ این ها تحجرات مذهبی نما استند . بشریت باید خود را تکان دهد و الا خدایانش را به مضحکه های بیحد و حصری مبدل میکند!  
کما اینکه بسی ها مبدل کرده اند !







در هر حال این «دیووالی» ایست که با استفاده و نیز سوء استفاده از امکانات تمدن معاصر آنهم در قرن 21 راه اندازی گردیده و با تأسف که یک اختلاط مغلوط و مغشوش عجیب و بعضا تحمل ناپذیر را از عادات قرون وسطی و دستاورد های عصر حاضر نشان میدهد که چندان عاری از سیاست و کیاست و جادوگری و عوامفریبی و تخدیر و تحمیق به نظر نمی آید!

بنده شاهد برگزاری ی جشن استقلال و روز ملی هندوستان نیز بودم . هیچ چیزی از این شکوه پرسش بر انگیز جشن عودت راجازاده اسطوره ای ایودهیانا به خانه پدری ؛ در آن روز های فوق العاده و سراسر ملی وجود نداشت .

روز های گرامیداشت خونبهای ملیونها قهرمان قربان شده برای هند مستقل که حتی همین «دیووالی» در بدل همان قربانی ها و رشادت ها نصیب امروزیان

## هندوستان مستقل و آزاد و دموکراسی ی بزرگ دنیا و قدرت اقتصادی شگوفان منطقه گردیده است !!



رویکردها :

- (1) ویبسایت هاتی محترم لینک خود را به عوض اینجا قرار دهند .  
<http://www.nuroddin.de/artikel%20von%20aleme%20eftekhar/reise%20memorien%2015/reise%20memorien%2015.pdf>
- (2) <http://www.ariaye.com/dari8/images/eftekhar.pdf>
- (3) <http://www.rahetudeh.com/rahetude/baziye-sheytni/html/aghaz-baziye-sheytni.html>
- (4) <http://www.ariaye.com/ketab/jehad/jehad.html>

محمد عالم افتخار